

پاسخ به حملات خصمانه رویونیستهای دون صفت "سازمان انقلابی" (بخش نهم)

یکی از مطالبی که رویونیستهای "سازمان انقلابی" با بی شرمی تمام در همه بخشهای اراجیفنامه های شان تکرار می کنند، انکار از عمل خاینانه فحاشی، جاسوسی، تهمت زنی و توطئه گری شان علیه ما است. در حالیکه فحشهای رکیک کوچه بازاری و اوباش منشانه ای که توسط رفقای شان (موسوی، کبیرتوخی و میرویس محمودی) این جواسیس خاین بر ما می دارند و هم چنین افشای نام وهویت و آدرس ما به سازمانهای جاسوسی کشورهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی و گروه های ارتجاعی و همین سلسله ازاراجیفنامه های شان یک واقعیت انکارناپذیر است. اینک موردی از فحاشیهای سازمان رویونیستی و ضدانقلابی "سا" در صفحه اول بخش (14) ازاراجیفنامه هایش: **"شرفباخته های بی وجدان سیاسی و بزدل فراری! شما که با دیدن دشمنان خلق، تنبان های تان دچار پرابلم شد و آنهارا دورگردن تان حلقه زدید و نزداین کنسول و آن کنسول غربی بردید و تملق و چاپلوسی کردید و بالآخره فرار را برقرار ترجیح دادید و اکنون با بی حیائی آن را «پناهنده شدن بالاجبار» می خوانید، چگونه برزن قهرمانی می تازید که همینجا ماند،....."**

اگر ما بر اساس اسناد انکارناپذیر "سازمان رهائی"، رویونیسم "سه جهانی" رهبران آن منجمله فقید دکتر فیض و "مینا" را انتقاد کرده ایم؛ شما آنرا "تاخت و تاز" نام گذاشته اید و بجای استدلال و منطق در برابر انتقادات ما، فرومایه تر از هر لومپن و اوباشی بر ما فحاشی کرده اید. همین ناسزاگوئیهای لومپنانه ای شما نشان می دهد که شما حتی فاقد اخلاق و شرافت انسانی هستید. وقتی رهبر فقید شما "دادنورانی" به "راوا" می گوید که: **"حال یکی دو قلم مرد ریشو، چند زن و دختری را به این نام (راوا) تا و بالا کرده..."**؛ شما نیز باید چنین دشنامها و کلمات رکیک دور از شأن انسانی را علیه ما بکار برید. شما کاذبانه مدعی "م-ل-ا" هستید ولی غیر از فحاشیها و تهمت ها و توطئه گریها و جاسوسیهای رفقای تان (کبیرتوخی، موسوی و میرویس محمودی)، همین کلمات و جملات فوق ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و سطح فرهنگی، اخلاقی، شخصیتی و وجدانی شما بر ملا می سازد؟! فحاشی های فوق پائینترین سطح از عناصر اوباش و لومپن و هرزه است که شما و رفقای تان به آنها متوسل شده اید. بفرض محال اگر شما توطئه گری نیستید؛ اینکه (ما) به یکی از کشورهای اروپائی پناهنده شده ایم؛ شما خاینانه آنرا "فرار" می خوانید. این پناهندگی چه ربطی بر حقیقت مبارزه ای ما علیه رویونیسم و اپورتونیسیم دارد؟ و ما هرگز از سنگر مبارزه طبقاتی و ملی فرار نکرده ایم و در بخشهای قبل نوشته هایم در این باره توضیحات لازم داده ام. در حالیکه کیفیت مبارزات انقلابی ما در جنبش کمونیستی کشور و در جنبش بین المللی کمونیستی در گذشته و حال مشخص اند و برعکس گذشته و حال خیانتبار شما اپورتونیسیتها و رویونیستهای "سه جهانی" به جنبش کمونیستی و مبارزات طبقاتی و ملی توده های خلق کشور آفتابی است. شما نه تنها به لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی در قهقرای اپورتونیسیم و رویونیسم قرار دارید که حتی به لحاظ آگاهی ناتوان و بیچاره هستید و به جایی پاسخ منطقی به انتقادات ما، محل زندگی ما را مورد "انتقاد" قرار داده اید. و فحاشیهای شما من جمله کلمات رکیک فوق شخصیت لومپنانه، شرفباختگی و ضعف اخلاقی شما را بوضوح عیان می سازد. در کجای تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی آمده است که محل زندگی گویا معیار انقلابی بودن و غیر انقلابی بودن افراد است؟ اگر فردی در داخل کشورش زندگی کرد انقلابی است و اگر در خارج کشور زندگی کرد، غیر انقلابی است! ولی شما رویونیستها و اپورتونیسیتها ضدانقلابی و همپاله های شما در هر جایی که زندگی کنید بر اساس ماهیت خط ایدئولوژیک-سیاسی و خصلت طبقاتی تان به خدمت امپریالیسم و طبقات حاکم ارتجاعی قرار دارید و برضد منافع خلق و میهن و برضد جنبش انقلابی کمونیستی عمل می کنید. چنانکه حدود بیست سال در پاکستان و بعد دوازده سال اخیر در افغانستان به خدمت اهداف سوسیال امپریالیسم چین و امپریالیستهای اشغالگر امریکائی و اروپائی و طبقات ارتجاعی قرار داشته و دارید. شما در شرایط جنگ

آزادی خواهانه مردم افغانستان علیه سوسیال امپریالیسم "شوروی" ورژیم باندهای مزدور خلقی پرچمی در اتحاد با سه گروه ارتجاعی اسلامی قرار گرفتید و برای پیروزی "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" مبارزه کردید و این بزرگترین خیانت به جنبش انقلابی کشور و به مبارزات آزادی خواهانه توده های مردم بود. وبعد از حادثه (11) سپتمبر (2001) و اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و اروپائی و متحدین آنها بر افغانستان بازار سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی شما هم رونق گرفت و به دربار علیحضرت در روم شتافتید و به کمک سوسیال امپریالیسم چین حامی اصلی شما و سایر کشورهای امپریالیستی به کنفرانس استعماری "بن" شرکت کردید تا در تقسیم چوکیهای نظام مستعمراتی از دیگر گروه های ارتجاعی عقب نمانید. "سازمان رهائی" زیر نام "راوا" در آن شرکت کرد. شما در همین چهار سطر فوق؛ دروغ گفته اید، بر ما تهمت زده اید و فرومایه تراز هر عنصر لومپن و اوپاشی بر ما فحاشی کرده اید. ما جز این از شما توقعی نداریم؛ شما در مکتب "سازمان رهائی" درس خوانده و تربیت شده اید؛ یکی از استادان شما "داد نورانی" به خواهران اش در "راوا" به سطح عناصر اوپاش (موسوی، کبیرتوخی و میرویس محمودی) فحاشی می کند، تهمت می زند و زشت ترین نسبت ها و شنیع ترین دشنامها را نثار آنها می کند. شما و رفقای تان بنابر همین فرهنگ و ادبیات بر ما فحاشی می کنید و بی شرمانه و با چشمپارگی آنها انکار می نمائید. شما با پرروئی اتهامات بی اساس داکتر فیض علیه رفیق اکرم یاری و "س ج م" و "ج د ن" را "کلمات تند" می خوانید و بی گوئید که "ما بنوبه خود با آنها موافق نیستیم!" در حالیکه این اتهامات بی بنیاد از موضع اپورتونیستی و رویزیونیستی و خاینانه صورت گرفته است؛ داکتر فیض "سازمان جوانان مترقی" و "جریان دموکراتیک نوین" را رویزیونیستی و اپورتونیستی و ارتجاعی می خواند و معتقد است که آنها را یک سلسله دگمها و محصولات ذهنی خشکیده "رهبری" و فعالیتهای عملی اپورتونیستی و ضدانقلابی رهبری خاین و ضدانقلابی تشکیل می داد. داکتر فیض و کلاً رهبری "گروه انقلابی...." خاینانه اتهامات "ضد پرولتاریائی، برخورد ضدانقلابی به مسایل و قضایا، اندیشیدن به منافع شخصی، فرصت طلبی، مارکسیست دگماتیک، ارباب و فریفتن توده ها، خیانت به اندیشه مائوتسه دون و آرمان انقلاب، فردگرایی بورژوائی، خاین و ضدانقلاب، وابسته دربار و در جرگه خواجهگان ذات ملوکانه" و از این قبیل اراجیف و یاهه هارا به رفیق اکرم یاری (شهید) نسبت داده است. چون شما در اجنزار اپورتونیسم و رویزیونیسم و تسلیم طلبی و خدمت به ارتجاع و سوسیال امپریالیسم چین و امپریالیستهای غربی تربیت شده اید؛ دیگری شرمی و دروغ گوئی، شیادی و حیلہ گری، توطئه چینی و جاسوسی جزء خصلت و اخلاق شما شده است. شما دیگر در "بازار مکارگی سیاسی" تان استاد هستید و دست هر گروه ارتجاعی و ضدانقلابی را در این زمینه ها از پشت بسته اید. همینکه گند رسوائی رویزیونیسم "سه جهانی" تان بلند شد و دیگر امکان فریب و اغوای توده های مردم و نسل جدید از روشنفکران مردمی و مترقی کشور را نداشتید، جامه بدل کردید و طوری وانمود ساختید که باصطلاح از "سازمان رهائی" انشعب کرده اید. در حالیکه شما ابراز برخی اختلافات سیاسی، انشعبات تشکیلاتی کرده اید و نه گسست ریشه ای ایدئولوژیک- سیاسی از رویزیونیسم "سازمان رهائی". شما با تفاوتهای در سابقه تشکل و وضعیت کنونی تان مانند همان دوفرکسیون خلقی پرچمی هستید که عین هدف و مرام رابه دوشکل و شیوه متفاوت به پیش می برید.

سازمان باصطلاح انقلابی در صفحه سوم بخش شانزدهم اراجیفنامه اش از جاسوسی علیه ما و افشای نام و هویت و محل زندگی ما انکار کرده و در مقابل این ادعای مضحک را مطرح کرده است: ".... بلی، ما نوشته ایم که جناب عالی های «مائونیست» در هالند زندگی می کنند و این را بر اساس گزارش خود تان که در وب سایت های «پیام آزادی»، «شورش» و «سوم عقرب» نوشته ایم....". توجه نمائید که این رویزیونیستها با چه شیادی و حیلہ گری جاسوسی علیه ما را توجیه می کنند. اینکه ما در گزارش ما نوشته ایم که "مارکسیست- لنینیست- مائونیست های افغانستان در تجلیل از اول ماه می در کشور هالند ویا در کشور دیگری شرکت کرده اند....". این مطلب هیچ چیزی از هویت ما را افشا نمی کند؛ ولی شما و رفقای شما خاینانه نام اصلی و هویت ما را برای استخبارات امپریالیستی و دولتها و گروه های ارتجاعی افشا نموده و صدها بار آنرا تکرار کرده اید. شما با این استدلال خود را مسخره می کنید. زمانی که منطوق رویزیونیستها در برابر انتقادات اصولی کمونیستها کارائی ندهد؛ توطئه گری، برجسب زنی، فحاشی

واتهام زنی را آغاز می کنند. اما رفقای "سا" (کبیرتوخی، موسوی و میرویس محمودی) این تسلیمی های خادیس و جواسیس کوانتیل پروعلیه ما در سطح عناصر او باش، فرومایه و شرفباخته فحاشی می کنند و هر بار مورد تحسین سازمان "انقلابی" قرار گرفته اند.

سازمان باصطلاح "انقلابی" در صفحه سوم بخش شانزدهم اراجیفنامه اش چنین می نویسد: "... اگر ثابت ساختید که یکتا از رفقای ما (از رفقای سازمان انقلابی افغانستان) چین را دیده باشد، با دولت امپریالیستی چین در ارتباط بوده باشد، بعد هم به آلمان رفته و در کنفرانس "بن" شرکت کرده باشد و با جانی ترین، خاین ترین و خونخوارترین دشمنان مردم افغانستان دوریک میزنشسته باشد، ما حاضر هستیم تمام حرفهای خود را در مورد شما پس بگیریم و از خود انتقاد کرده خود را به شما بسپاریم تا در مورد ما تصمیم بگیرید، و اگر ثابت نساختید، اعتراف کنید که انسانهای بدتر از آن هستید که در مورد شما گفته می شود، درست است؟؟....".

استدلال فوق از یک جهت کودنی و حماقت این رویونیستهارا بر ملا می سازد و از جانب دیگر چنین استدلالهای ناشی از پرروئی و بی شرمی آنهاست. آقایان! شما در سال (2006-2007) از "سازمان رهائی" باصطلاح انشعاب کرده اید. اینکه قبل از این تاریخ فردی از رفقای کنونی تان در سازمان کنونی ("سازمان انقلابی") جزء هیئت اعزامی "سازمان رهائی" به چین رفته است و یانه؛ این ادعا نمیتواند عضویت شما را در چوکات "سازمان رهائی" و وابستگی به دولت سوسیال امپریالیستی چین نفی نماید. ممکن است که از همین رفقای کنونی تان هیچگاهی چین را ندیده باشد و به همین صورت حتی از همین اعضای کنونی "سازمان رهائی" شاید تا کنون کسی چین را ندیده باشد؛ و ما هم چنین ادعایی نکرده ایم که تنها رفتن اعضای سازمان "رهائی" به چین دلیل رویونیست "سه جهانی" بودن آنهاست! ما هیچگاهی قضاوت خود را بر این موضوع بنا نکرده ایم. خط ایدئولوژیک- سیاسی "گروه انقلابی...." و بعد "سازمان رهائی" و عملکردها و نظرات و مواضع آن طی حدود چهاردهه بیانگر رویونیسم و تسلیم طلبیهای "سازمان رهائی" است که طی این مدت همه برنامه ها و اهداف، نقشه ها و تاکتیکها و استراتژی آن بر همین مبنای انجام شده اند که ما طی چهاردهه آنها را مورد نقد قرار داده ایم. هم چنین شاید از رفقای کنونی تان جزء هیئت اعزامی "سازمان رهائی" از پاکستان به آلمان جهت شرکت در کنفرانس "بن" نرفته باشد؛ و این هم دلیل عدم مسئولیت شما در سازمان "رهائی" شده نمی تواند. همینکه شما تا سال (2006) عضویت "سازمان رهائی" را داشته اید و کنفرانس "بن" در سال (2001) تشکیل شد؛ شما نمی توانید چنین استدلال کنید که چون همین حلقه رفقای کنونی تان در کنفرانس "بن" شرکت نکرده اند؛ فلذا شما مسئولیتی در برابر مواضع و عملکردهای تسلیم طلبانه "سازمان رهائی" ندارید! شما در همین مورد بفرص زمانی می توانستید این ادعا را مطرح کنید که، از همان لحظه ای که هیئت "سازمان رهائی" در کنفرانس استعماری "بن" در ترکیب هیئت "روم" وابسته به ظاهر خان (شاه سابق) با دیگر باند های ارتجاعی وطن فروش و خاین، جانی و ضد مردم تحت رهبری قدرتهای امپریالیستی اشغالگر و "ملل متحد" شرکت کرد؛ اعلامیه ای مبنی بر انشعاب از "رهائی" صادر می کردید. البته اینکه این "انشعاب" چگونه بود یا بعداً واقع شد، بحث دیگری است. فقط می توانست عدم مسئولیت شما را در شرکت در کنفرانس "بن" رفع نماید. این استدلال شما بسیار کودکانه است و فقط می تواند هواداران کودن شما را قانع سازد. در حالیکه واقعیت چنین بوده است که شما بعد از کنفرانس "بن" سهم خود را از خوان نعمت امپریالیستیهای اشغالگر دولت مزدور و لقمه های چربی را هم از طریق بدست آوردن امتیازات "ان جی او" نی نصیب شده اید و اینکه جناح رفیب شما در سازمان رهائی از غنایم امپریالیستیها "گاوچاق" راتصاحب کرد و "گوسفند لاغر" را به شما داد؛ شما "انشعاب" خود را اعلام کردید. ولی به لحاظ ایدئولوژیک-سیاسی و خط و مشی هنوز در همان خط "سازمان رهائی" و علی الخصوص بقول خود شما در "راه" دکتر فیض روان هستید، بحث دیگری است. که ما طی چند ماه اخیر به آنها پرداخته ایم. آقایان با لفاظی و پرگوئی و پیاوه سرانی و فحاشی نمی توانید کاری از پیش ببرید. از این اسناد برای اثبات ادعای ما قوی تر در کجاست؟ چنانکه ما بارها گفته ایم که شما مانند دیگر رویونیستها و اپورتونیستها قضایا را بر اساس تفکر ایده آلیستی تان مورد تحلیل و ارزیابی قرار می دهید؛ لہذا با تمام و راجی ها و ادبیات بافیها و داستان سرانیها باز هم پای تان در گل می ماند و خود را بیش

از پیش مفتوح می‌سازید. اینکه در همین بخش به ما می‌گوئید: "انسانهای بدتر از آن هستید که در موردتان گفته میشود!" این خودبار دیگر اذعان میکنید که باند عناصر اوباش ولومپن وجاسوس وفحاش (کبیرتوخی، موسوی ومیرویس محمودی) سخنگویان شما هستند. وهمان فحشیهای رکیک راکه شایسته ای خودشماست بر ماحواله می‌کنند.

"ساا" میگوید: "برای چند هفته به افغانستان بیائید و راست وچپ بدوید و«سند مصئونیت» مارا پیدا کنید...." این هم شبیه به همان استدلال قبلی این آقایان است. در حالیکه موقعیت سابقه وکنونی آنها را عرصه ها ونحوه فعالیت شان تحت شرایط اشغال استعماری وحاکمیت دولت دست نشانده به اثبات می‌رساند که "ساا" آنرا "استفاده از شرایط" نام گذاشته است. همینکه به گفته ای خود آنها در زیر ریش امپریالیست های اشغالگرو دولت مزدورکنگره "کمونیستی!" دایمی کند؛ خود سند گویای بر مصئونیت آنهاست. که همان ادامه مصئونیت سابقه است، با فورم وژست دیگری. "ساا" وهمپاله های شان نه اینکه هیچ گونه خطری برای امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدورکری ندارند که از جنبه های معینی مفید هم هستند. اینها خدمتی را برای سرمایه داری جهانی وامپریالیسم انجام می دهند که دیگر گروه های بورژوازی انجام داده نمی‌توانند. آقایان! شما در اخیر این پراگراف از "اردنگ انقلابی" تان یاد کرده اید؛ که در معنا همان شیوه ای سربه نیست کردن مخالفین توسط سازمان سلف شما ("سازمان رهائی") است که در پاکستان و در داخل کشور انجام می داد. در پاکستان آن جنایات رابه حمایت وکمک "آی اس آی" انجام می دادید و اکنون در سایه حمایت وبه کمک ارتشهای اشغالگرو استخبارات دولت مزدور آنها انجام می دهید.

"سازمان انقلابی" باز هم با دیده درائی از حزب قانونی "سازمان رهائی" انکار کرده و کودنانه می‌گوید: "تحقیق تان راهمین امروز آغاز کنید و تمام کانالهای جاسوسی تان رابه کار انداخته، تا شش ماه وقت دارید که حزب قانونی «سازمان انقلابی» رابا اسم، شماره ثبت ورهبر حزب به همه اعلان کنید...."

"ساا" باز هم با شیدادی ودغلکاری می‌خواهد توجه خوانندگان کمتر آگاه به مسایل راز اصل واقعیت مسئله دور سازد و ابلهانه از ما می‌خواهد که اسم، شماره ثبت ورهبر حزب قانونی "ساا" را اعلام کنیم. در حالیکه این موضوع به همه بخشهای جنبش انقلابی پرولتاری و جنبش "چپ" کشور هویدا ست که "حزب همبستگی افغانستان" که نام آن در مطبوعات دولت دست نشانده منتشر شده است، و در وزارت عدلیه دولت مزدور به ثبت رسیده و جواز فعالیت اخذ کرده است، مربوط به "سازمان رهائی" است. این حزب ویا احياناً حزب وسازمان دیگری که توسط "سازمان رهائی" در وزارت عدلیه دولت دست نشانده ثبت شده است بنام رهائی" به ثبت نرسیده است که ما نام آنرا پیدا کنیم. ولی "ساا" ساده لوحانه برخورد قضائی به مسئله کرده و بزعمش می‌خواهد روشنفکران مترقی وتوده های عوام رافریب دهد. این آقایان آنقدر ساده لوحانه به قضایا بر خورد می‌کنند که حتی افراد عادی هم عقب ماندگی آنها درک میکنند. این گفته "ساا" مشابهت به ادعاهای رهبران وقوماندانهای تنظیم های جنایتکار جهادی وملیشه ای ودیگر باندهای ارتجاعی وجنایتکار که طی سی وپنج سال اخیر ثروت اندوخته اند وحال بیشرمانه ادعا می‌کنند که از روی دفاتر دولت میزان املاک و دارائیهای های مارا نشان بدهید. در حالیکه این خابنین وغارتگران ازدزدی ورشوت وغصب اموال واملاک دولت وعامه وچپاول وغارت مردم ورشوه های قدرتهای امپریالیستی ده ها وصدها میلیون دلار سرهم کرده اند؛ ولی بخش اعظم آنها بنام شخص خود شان در دفاتر دولت ثبت نیست ویا اینکه در بانکهای کشورهای خارجی ذخیره کرده اند. فقط ساده لوحانی مانند اعضا وهواداران "ساا" این اراجیف را باور خواهند کرد. باید تذکر داد که همین ثبت حزب رسمی توسط "سازمان رهائی" جلوه ای دیگری از رویونیسم "سه جهانی" است. ثبت حزب رسمی در دولت دست نشانده استعمار از یکطرف تائید سلطه استعماری واشغال نظامی امپریالیستهای امریکائی وناتو ومشروعیت قایل شدن به دولت دست نشانده است واز جانب دیگر نوعی حقه بازی شیدانه در جهت فریب روشنفکران مردمی وتوده های خلق می‌باشد. در حالیکه "سازمان رهائی" در کنفرانس "بن" شرکت کرد وامپریالیستها از ماهیت بورژوائی ارتجاعی ومرام واهداف سیاسی آن آگاهی داشتند ودارند. اینها در حقیقت می‌خواهند رویونیسم وتسلیم طلبی خود را زیر نام حزب رسمی وروزنامه وجریده رسمی مستور سازند. اعضای "ساا" از این ترفندها وشیدادی ها زیاد یاد دارند. چنانکه فعالیتهای علنی

شاندراسایه ارتشهای اشغالگرو دولت مزدورکری "تطبیق اصل بلشویکی (مبارزه مخفی و استفاده از شرایط عینی)" میخواند که امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور کزی برای آنها مهیا کرده اند.

"سا" درجایی دیگر در همین صفحه (4) می نویسد: "... از تربیون های گونه گون که به اصول بلشویکی مالطمه نزنند، استفاده می کنیم". عجب "بلشویکهای" که مورد اعتماد امپریالیستهای اشغالگرو دولت دست نشانده ای آنها که از مرتجع ترین و ضدترقی ترین نیروهای قرون وسطائی قرار گرفته اند. بدون هیچ تردیدی یکباردیگر این همان تائید موضع "سازمان رهائی" است که در دولت مستعمراتی و دست نشانده امپریالیستهای اشغالگر شرکت کرد در "لویه جرگه" و لوسی جرگه و مشرانو جرگه نماینده فرستاد و مدعی شد که این کار "استفاده از تربیون های دولت است!" این چه نوع سازمان "بلشویکی" است، که در یک کشور نیمه فنودالی و مستعمره که توسط چند ده کشور امپریالیستی و ارتجاعی اشغال شده و تحت سلطه استعماری آنها قرار دارد و حاکمیت دولت اسلامی متشکل از جانی ترین و وحشی ترین گروه های ارتجاعی مذهبی و "غیرمذهبی" ضدترقی و ضد کمونیسم؛ می تواند از تربیون های گونه گونه آن استفاده کند و مبارزه پارلمانی بنماید؟ "سازمان انقلابی" خود را "مارکسیست-لنینیست، اندیشه مائوتسه دون" می خواند؛ ولی محور مبارزه اشرا فعالیت علنی در عرصه های مختلف و پارلماناریزم تشکیل می دهد.

در حالیکه در شرایط کنونی امکان مبارزه علنی برای کمونیستهای واقعا انقلابی؛ بسیار محدود و حتی دشوار است و از طرف دیگر کمونیستهای انقلابی در جهت تدارک برای جنگ آزادیبخش ملی و جنگ انقلابی خلق مبارزه می کنند، مبارزه پارلمانی. این گفته های رهبری "سا" یکباردیگر ادعای اعتقادیه اندیشه مائوتسه دون آنها را به یوچی مبدل می سازد و از جانب دیگر ضدیت آنها را با جنگ انقلابی خلق نشان می دهد. زیرا طی چندین ماه اخیر حملات خصمانه و خائنه ای شان را با دیگر همپاله های رویزیونیست و اپورتونیست آنها "ساما- (ادامه دهندگان) و عناصری از سازمان اپورتونیستی و رویزیونیستی "ساوو" در سایت استخباراتی "افغانستان- آزاد" (این تربیون فحاشی، جاسوسی و توطئه گری) علیه "مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم" و فعالین بخشهای مختلف این جنبش بشکل جنون آمیزی به پیش می برند و از هیچ خیانت و ردالتی در این زمینه دریغ نکرده و به پست ترین و خائنه ترین اعمال یعنی جاسوسی و توطئه گری علیه ما در داخل و خارج کشور دست زده اند. و در تمام اراجیفنامه های "سا" خصومت و رزی آن به اشکل مختلف علیه "مائونیسم" و جنگ انقلابی خلق عیان است. ولی در همین صفحه (4) با کمال پروئی و چشمپارگی از عمل خائنه و رویزیونیستی (مائونیسم ستیزی) شان انکار کرده و می نویسند: "... با وجودیکه به حیث یک سازمان تا هنوز به کاربرد اصطلاح مائونیسم نرسیده ایم و برای همین خود را معتقد به مارکسیسم-لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون می دانیم، ولی این باور، ابدأ به ما اجازه نمی دهد که علیه مائونیست هائی که همین اکنون در کشورهای مختلف و به خصوص در کنارتوده های تهیدست علیه نظام های استثمارگرانه می رزمند، به حملات خصمانه دست بزنیم؛ ... وقتی ما، مائونیسم را در ناخنک می گیریم، منظور ما «مائونیسم فراری» است. که از کنارتوده ها فرار کرده ... اگر ما ضد مائونیست ها می بودیم، در «به پیش» شماره چهارم گونزالو را که خود را مائونیست می خواند، ابدأ انقلابی در قفس امپریالیزم، سازمانده خوب و رفیق انقلابی نمی خواندیم-.....". اینکه شما چه کسی را باچه لقبی ملقب میسازید بیشتر از بیسواد و کودنی شما منشا میگیرد نه از آگاهی تان. شما "ژاندارک- قهرمان کلیسای کاتولیک- را نیز قهرمان توده ها می سازید، شما جنرال جیپ رویزیونیست رانیز "مارکسیست-لنینیست بزرگ میسازید" شما به حدی بیسواد و کودن هستید که اصلا معنی گفتارتان را هم درک نمیکنید.

یکی از صفات مشخصه همه رویزیونیست ها و اپورتونیست ها تضاد بین گفتار و کردار آنهاست. این هم یکی دیگر از شیدای های رویزیونیستهای "سازمان باصطلاح "انقلابی" است. همه رویزیونیستها در لفظ از اعتقاد به (مارکسیسم-لنینیسم) یا (م-ل-ا) صحبت می نمایند ولی در عمل ضد آن عمل کرده و علیه آن خصومت می ورزند. در حالیکه اندیشه مائوتسه دون در پراتیک انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی تحت رهبری رفیق مائوتسه دون به مائونیسم تکامل نمود. مائونیسم آخرین مرحله تکامل مارکسیسم-لنینیسم تا امروز است؛ مائونیسم مانند (م-ل) یک حقیقت عام جهان شمول بوده و دارای اعتبار جهانی است. اما رویزیونیستهای "سازمان انقلابی" در اراجیفنامه هایش چنین می گوید: "... استفاده از "مائونیسم"

بجای اندیشه مائوتسه دون در "جا" نه از یک پراتیک؛ بلکه از اثرگذاری جزئی نشئت کرده که "اندیشه گونزالو" و عمدتاً "اندیشه گونزالو" را پذیرفته است. این همه "مائوئیسم" گفتن ها نشان می دهد که کاربران عمده آن چگونه راه را برای "اندیشه"، "راه" و "سنتز نوین" باز کرده و شاید هم به زودی در کنار "گونزالو" نیز جا به جا شود....".

خوانندگان قضاوت کنند که رویزونیستهای "سا" در حالیکه ادعای "اعتقاد" به اندیشه مائوتسه دون دارند؛ ولی از دید اپورتونیستی و غیرکمونئیستی به ماهیت علمی و انقلابی "مائوئیسم" می نگرند. از یکطرف شیادان صدرگونزالو را "رفیق انقلابی" می خوانند ولی از طرف دیگر طوری وانمود می کنند که مائوئیسم را به این منظور بکار برده است که گویا راه برای "اندیشه" گونزالو هموار سازد. دشمنی با انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی و مائوئیسم ستیزی یکی از مشخصات ضدانقلابی برجسته ای انواع رویزونیسم منجمله رویزونیستهای "سه جهانی" است. به همین صورت رویزونیستهای سازمان باصلاح انقلابی در ارجیفنامه های شان بر فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) فحاشی کرده و علناً مائوئیسم را به استهزا گرفته و بر آن حملات خصمانه انجام داده اند. وهم چنین شنیع ترین فحاشیها را توسط رفقای شان، عناصر و باش و لومین "مثلت فله" (موسوی، کبیرتوخی و میرویس محمودی) علیه ما انجام داده و در موارد زیادی بر مائوئیسم حمله کرده اند که در هر مورد توسط رویزونیستهای "سا" مورد تحسین قرار گرفته اند. همین تهمت ها و افتراءات شخصی، فحاشی و جعل داستانهای تصنعی علیه ما؛ دلیل ورشکستگی ایدئولوژیک-سیاسی و ضعف اخلاقی و شرفباختگی رویزونیستهای "سازمان انقلابی" و همپاله های رویزونیست و اپورتونیست و تسلیم طلب آنهاست.

من قبلاً درباره ای انکار "سازمان انقلابی افغانستان" در کتاب اش زیر عنوان "تاریخ، نبرد طبقاتی" از حقیقت وجودی "سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)" و بعداً "گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م-ل-م)" در جنبش انقلابی پرولتری کشور انتقاد کرده ام؛ ولی "سا" در صفحه (2) (بخش آخری) ارجیفنامه هایش چنین پاسخ داده است: "ما در طول چند سال اخیر در افغانستان با افرادی روبه رفته ایم که خود را «پیکاری» بخوانند و فعالیت محسوس داشته باشند. قبل بر این در مهاجرت (پاکستان) کسی را می شناختیم به نام «دگروال» که گفته می شد «پیکاری» است، اما این «پیکاری» در حویلی های «سازمان رهائی» می خوابید و نان می خورد و منتظر بود تا پناهندگی اش در آلمان پذیرفته شود، که همانطور شد و بالاخره به اروپا رسید؛ و اکنون نمیدانیم که به چه کاری مصروف است....".

گردانندگان سازمان به اصطلاح "انقلابی" در این مورد هم دروغ می گویند و تخطئه می کنند: اینها در پر اگراف قبلی در همین صفحه چنین می نویسند: ".... ماقبلادر «به پیش» شماره اول در مورد «سازمان پیکار افغانستان» نوشته بودیم... پیکار در سال 1385 کمیته وحدت با حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ایجاد کرد که در نتیجه بخشی از این سازمان با پذیرش مائوئیسم در برابر اندیشه مائوتسه دون به حزب کمونیست پیوستند....".

اما در مورد "دگروال" عضو سازمان پیکار برای نجات افغانستان؛ این دیگر یک دروغ محض است. در حالیکه، دگروال "جوره" عضو سازمان پیکار برای نجات افغانستان بعد از رهائی از زندان رژیم جنایتکار خلقی پرچمیها در اوایل دهه هفتاد خورشیدی به پاکستان رفت و از ابتدا با دیگر اعضای سازمان زندگی کرد و حتی یک روز هم در حویلی "سازمان رهائی" بود و باش نکرده است. و بعد با فامیلش در پاکستان زندگی میکرد و هیچگاهی هم به اروپا سفر نکرده است، چه رسد به اینکه "منتظر پناهندگی" اش باشد! در حالیکه برخلاف ادعای "سا" دوفراز اعضای "سازمان رهائی" که در مخالفت با خط رویزونیستی این سازمان قرار گرفته و مورد غضب رهبری "سازمان رهائی" واقع شده بودند؛ حویلی های "سازمان رهائی" را ترک کرده و به سبب شناخت سابقه ای که با (ص) یکی اعضای مرکزی سازمان پیکار برای نجات افغانستان داشتند برای چند هفته در حویلی اعضای سازمان پیکار... زندگی می کردند و منتظر بودند تا در شهرهای دیگر پاکستان محل امنی برای زندگی جهت محفوظ ماندن از گزند اردنگ "سازمان رهائی" پیدا کنند.

رهبری "سا" در پراگراف بعدی مینویسند: "ما آشکارا باید گفت که گروه «پولاد» از آن اهمیتی برخوردار نیست که بتوان او را از مشهورترین سازمانهای چپ «شعله جاوید» به شمار آورد ما تاکنون نتوانسته ایم کسی از این «گروه» را در افغانستان ملاقات کنیم. از یکی دودوست هم که پرسیدیم، اگر صادقانه (بخوان کاذبانه و ذ(د) غلکارانه - توضیح از من است)، ایشان گفتند که گرداننده این «گروه تک امتی» مدتهاست از افغانستان فرار کرده و هزاران کیلومتر دورتر از توده های پاره رهنه زندگی می کند و تنها چیزی که انجام می دهد «روزیونیست» و «اپورتونیست» خواندن دیگران است...".

باز هم دروغگوئی و دغلکاری: این آقایان از یک طرف می گویند که "آشکارا باید گفت که گروه "پولاد" از آن اهمیتی برخوردار نیست..."; از جانب دیگر می گویند که "دوستان شان گفته اند که گرداننده این «گروه تک نفری» مدتهاست از افغانستان فرار کرده...". اگر این روزیونیستهای تسلیم طلب نسبت به خط اصولی انقلابی پرولتری گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م-ل-م) خصومت نداشتند و ندارند؛ در صورتیکه ادعای سازمان "م-ل-ا" و تاریخ نویسی دارند، همین "گروه تک نفره" را باید نام می گرفتند و از حقیقت وجودی و کیفیت انقلابی خط ایدئولوژیک-سیاسی و تاریخ مبارزات انقلابی آن در جنبش انقلابی پرولتری کشور در سطح جنبش بین المللی کمونیستی انکار نمی کردند. این عمل نه تنها عقده مندی خرده بورژوائی که دگما اپورتونیسم آنها را بوضوح عیان می سازد و بدون شک به پدیده ای زنده و پویای "گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م-ل-م)" به شیوه ای اپورتونیستی نگاه کرده اند. "سا" می گوید "ما تاکنون نتوانسته ایم کسی از این «گروه» را در افغانستان ملاقات کنیم". نه خیر آقایان! "گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م-ل-م)"; اولاً گروه کوچکی است و ثانیاً شما گروه ها و سازمانهای "مشهوری" رامی جوئید و ملاقات می کنید که در پارلمان دولت مزدور نماینده داشته باشد، دارای حزب قانونی باشد با ثروتهای باد آورده که بتواند در تالاریکی از هتل های بزرگ (ستاره دار) در کابل محافل برپا کند و تظاهرات قانونی تشکیل دهد و ثالثاً اعضای گروه ها و سازمان های واقعاً انقلابی پرولتری خاصاً در داخل کشور نظریه ماهیت خط ایدئولوژیک-سیاسی، تاریخ گذشته و موقعیت فعلی و اعمال خابانانه جاسوسی شما علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتری، سعی می کنند تا با شما و اعضای سازمان سلف شما، "سازمان رهائی" و دیگر همپاله های شما مانند "ساما" (ادامه دهندگام)" و افرادی از "ساوو" ملاقی نشوند.

"سا" در صفحه (221) "تاریخ، نبرد طبقاتی" می نویسد: "بازماندگان شعله جاوید که مشهورترین آن ها ساما، رهائی و حزب کمونیست (مائونیست) بودند، موضع گیریهای مختلفی داشتند...". توجه نمائید؛ افرادی که ادعا می کنند سازمان "انقلابی" اند؛ ولی چنین نگاهی کاذبانه و دغلکارانه به تاریخ جنبش دموکراتیک نوین و جنبش انقلابی پرولتری کشور دارند. و بر اساس مصالح و منافع تنگ نظرانه ای شان سازمان های را نام می گیرند که مورد نظرشان بوده است. در اینجا مسئله این نیست که این آقایان از حقیقت وجودی تشکیلی بنام "سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)" و یا "گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م-ل-م)" در جنبش انقلابی پرولتری کشور انکار کرده اند؛ در حالیکه اینها سازمانها و گروه های چندی با خطوط ایدئولوژیک-سیاسی معین که بعد از انحلال "س.ج.م" و فروپاشی "ج.د.ن" تا امروز در جنبش چپ کشور عرض وجود کرده اند؛ نیز انکار نموده اند. اما در مورد این گفته ای "سازمان به اصطلاح انقلابی که می گوید: "هزاران کیلومتر دورتر از توده های پاره رهنه دیگران روزیونیست و اپورتونیست خوانده ام". بلی آقایان! من نه تنها از زمانیکه به اروپا پناهنده شده ام که از همان ابتدا که عضویت "سازمان پیکار برای نجات افغانستان" را داشته ام و بعد از تسلط اپورتونیسم در سازمان پیکار برای نجات افغانستان در اوایل دهه هفتاد خورشیدی از آن انشعاب کردیم و منحیت جناح اقلیت "سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)" را تشکیل دادیم که ارگان نشراتی آن جریده "راه حقیقت" بود، در تمام این دوره ها تا حدتوان مبارزه انقلابی را در دوسنگر، مبارزات طبقاتی و ملی و مبارزه طبقاتی، ایدئولوژیک - سیاسی علیه خطوط اپورتونیستی و روزیونیستی مختلف و تسلیم طلبی طبقاتی و ملی در جنبش چپ و در جنبش انقلابی پرولتری کشور و در جنبش بین المللی کمونیستی به پیش برده و آنها را بر اساس دیالکتیک ماتریالیستی مورد نقد و بررسی قرار داده ایم. از این گفته ای "سا" استنباط می شود که درد این آقایان مانند دیگر همپاله های

رویزیونیست واپورتونیست و تسلیم طلب شان یکی است؛ و آن نقد خطوط رویزیونیستی واپورتونیستی و افشای تسلیم طلبی ها و خیانت‌های آنها به جنبش انقلابی پرولتری و مبارزات ملی توده های خلق طی بیش از سه دهه اخیر است که حتی از بردن نام تشکل سیاسی ما هم نفرت دارند. همه انواع رویزیونیسم واپورتونیسم مانند امپریالیسم و ارتجاع بین المللی از انقلاب پرولتری و فعالین جنبش انقلابی پرولتری نفرت دارند. و در جریان چند ماه اخیر گروه های مختلف رویزیونیستی واپورتونیستی و تسلیم طلب یعنی "سازمان انقلابی افغانستان"، "ساما- (ادامه دهندگان)" و عناصری از سازمان اپورتونیستی "ساوو" با هم متحد شده و رفقای شان عناصر لومپین و اوباش و شرفباخته ای مانند (موسوی، کبیرتوخی و میرویس محمودی) این عوامل "کوانتل پرو" در سایت استخباراتی "افغانستان - آزاد" علیه ما فحاشی، توطئه گری و جاسوسی می کنند و نام و هویت و محل زندگی ما برای استخبارات امپریالیستی و دولتها و گروه های ارتجاعی افشا می نمایند.

21 اکتوبر 2013

(پولاد)